

عسکری، مرتضی، ۱۲۹۳ -

امامت و مهدویت در مکتب خلفاء / مرتضی عسکری. — تهران: بنیاد
بعثت، ۱۳۸۴.

۱۲۷ ص.

۸۰۰۰ ریال : ISBN:964-309-361-1

چاپ قبلی : دارالثقافة، ۱۳۸۴ (۱۳۶ ص).

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه بصورت زیرنویس.

۱. اهل سنت — نظریه درباره امامت. ۲. امامت. ۳. مهدویت —

احادیث اهل سنت، الف. عنوان.

۸ الف ۵ / ۵۲ / ۲۲۳ BP ۲۹۷ / ۴۵۲

الف ۱۳۸۴

۱۱۸۵۵ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران



مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت

نام کتاب : امامت و مهدویت در مکتب خلفاء

تألیف : علامه سید مرتضی عسکری

ویراستار: محمد حسن استادی مقدم

طراحی جلد : واحد احیاء هنرهای اسلامی بنیاد بعثت

چاپ اول : ۱۳۸۴

چاپخانه : پیک فرهنگ

تیراژ : ۲۰۰۰۰ نسخه

قیمت : ۸۰۰۰ ریال

آدرس مرکز پخش : تهران ، خیابان سمیه ، پلاک ۱۰۹ ، بنیاد بعثت

تلفن ۸۸۲۲۳۷۴ - ص. پ ۱۳۶۱ - ۱۵۸۱۵

ISBN 964-309-361-1

شابک ۹۶۴-۳۰۹-۳۶۱-۱

امامت و مهدویت
در مصتبی خلفا

علامه سید مرتضی عسگری

«فهرست مطالب»

۹	 آغاز سخن
۱۵	 مقدمه
۱۷	 ■ پیش‌گفتار اول
۱۹	 ■ پیش‌گفتار دوم
۲۵	 ■ پیش‌گفتار سوم

فصل اول

تعیین وصی پیامبر ﷺ و امامت علی ؑ در مکتب خلفا

۳۱	 یکم: در سال سوم بعثت
۳۴	 دوم: در غزوه تبوک
۳۵	 مقصود از لفظ «مّتی» در احادیث پیامبر خاتم ﷺ
۳۷	 حاملان علوم پیغمبر ﷺ
۴۰	 سوم: در غدیر خم
۴۵	 تاجی که رسول خدا ﷺ در آن روز بر سر امام نهاد

فصل دوم

جانشینان دوازده گانه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در مکتب خلفا

- الف. اثبات امامت عموم اهل بیت علیهم السلام در روایات (حدیث ثقلین) .. ۴۹
- ب. تعیین عدد امامان در روایات ۵۲
- فشرده احادیث گذشته ۵۶
- حیرت علمای مکتب خلفا در تفسیر حدیث ائمه دوازده گانه ۵۷
- مفهوم حقیقی این روایات ۶۳
- چرا و چگونه این احادیث از تحریف مصون مانده اند؟ ۶۵

فصل سوم

معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکتب خلفا

- اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا ۶۹
- اسامی امامان دوازده گانه در مکتب اهل بیت علیهم السلام ۷۰
- امام اول: امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۷۰
- امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۷۱
- امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۷۱
- امام چهارم: علی بن الحسین علیه السلام ۷۲
- امام پنجم: محمد بن علی علیه السلام ۷۲
- امام ششم: جعفر بن محمد علیه السلام ۷۳
- امام هفتم: موسی بن جعفر علیه السلام ۷۳
- امام هشتم: علی بن موسی علیه السلام ۷۴

۷۴	امام نهم: محمد بن علی ؑ
۷۴	امام دهم: علی بن محمد ؑ
۷۵	امام یازدهم: حسن بن علی ؑ
۷۵	امام دوازدهم: حجت بن الحسن - عجل الله فرجه -

فصل چهارم

حفظ و تبلیغ شریعت توسط اوصیای پیامبر ؑ

۷۹	الف. تبلیغ شریعت اسلام توسط پیامبر ؑ به اوصیای خود
۸۰	۱. مجالس تعلیم منظم
۸۲	۲. مجالس تعلیم و دیدارهای نامنظم
	دستور پیامبر ؑ به وصی خود مبنی بر نگارش علوم الهی برای اوصیای
۸۴	خود
۸۵	دو نوع تبلیغ
۸۷	آخرین جلسه تعلیم
۸۸	ب. نشر شریعت اسلام توسط اوصیای پیامبر در میان مسلمانان
۸۸	داستان جامعه یا کتاب امام علی ؑ
۹۰	کتاب‌های امام علی ؑ در دست ائمه ؑ
۹۰	مواریث امام حسن و امام حسین و امام سجاد ؑ
۹۳	مواریث امام محمد باقر ؑ
۹۴	مواریث امام صادق ؑ
۹۴	مواریث امام موسی بن جعفر ؑ

- موارث امام رضا علیه السلام ۹۵
- امامان به «جامعه» مراجعه می‌کنند ۹۵

فصل پنجم

اعتقاد به مهدویت در مکتب خلفا

- مهدی علیه السلام هم‌نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است ۱۰۳
- مهدی از اهل بیت علیهم السلام است ۱۰۴
- مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است ۱۰۵
- مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است ۱۰۵
- مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است ۱۰۶

آغاز سخن

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو اهله و الصلوة و السلام على محمد و آله الاطهرين الطيبين سيما بقية الله في العالمين و اللعنة على اعدائهم و مخالفينهم و منكرى فضائلهم اجمعين. پیامبران بزرگ و اوصیای آنها و علمای پاکدامن دین، در تمام تاریخ بشر مانند خورشید درخشان و ماه تابناک و ستارگان فروزان آسمان نور بخشیده‌اند، تا آدمی بر جهالت و تاریکی فائق آید و بتواند و دیعة خداوندی نهان خویش را بیروناند و خویشتن را از پستی و پلیدی برهاند.

پیروان این راه پیامبران و اوصیای پاک‌نهاد آنان هستند. اما در مرحله بعد عالمان دین، محدثان، مفسران، فقیهان و ... پای در جای پای آنها نهاده‌اند.

معرفت به سیره در زندگی پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای طاهرين عليهم السلام ایشان، شناخت واقعیت اسلام است. از آنجاکه آنها اسلام مجسم و تحقق خارجی آن هستند. اما شناخت عالمان ربانی، قدمی بزرگ در راه‌یابی به حقایق دین می‌باشد.

آشنایی با سیره بزرگان علم دین، خود نوعی راه‌یابی به حقایق دین است؛ زیرا چنانکه دیدیم آنچه خداوند متعال توسط رسولان خویش برای سعادت دنیا و آخرت بشر نازل فرموده است، بعد از عصر

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، توسط علمای بزرگ به مرحله عمل رسیده است و سپس نشر یافته است. انسان‌ها هم در عصر غیبت به وسیله چنین شخصیت‌هایی با حقایق اسلام آشنا شده‌اند و به سعادت ابدی رسیده‌اند. لذا شناخت اینان یک قدم در راه شناخت دین است. قدر و منزلت چنین کسانی با چند جمله کوتاه که در این نوشته آمده است، قابل ارزیابی نیست. ولی همین اجمال نیز مقصد را روشن می‌کند.

یکی از معدود شخصیت‌های بزرگ جامعه اسلامی شیعی ما، حضرت آیت الله علامه سید مرتضی عسکری است که در طول عمر پربرکت خود، لحظه‌ای آرام نداشته است و با کار و تحقیق و خدمت به مردم و مجاهدت و مبارزه با طواغیت عراق سراسر آن را آکنده کرده است. ایشان در ابعاد مختلفی کار و خدمت کرده‌اند که در زیر به طور خلاصه آنها را می‌آوریم:

ایشان تا قبل از حکومت صدامیان بر عراق، در بغداد می‌زیسته‌اند. در آنجا مجموعه بزرگی از مدارس - دبستان، دبیرستان پسرانه و دخترانه و بزرگسالان - و دو دانشکده علوم قرآن و حدیث و ادبیات عرب تأسیس کردند که تنها یک مدرسه امام جواد در بغداد در حدود چهارده شعبه و چند هزار دانش‌آموز داشت و در طول سالیان دراز حضور در جامعه عراقی، نسل برتری برای جامعه عراق تربیت کرده‌اند. البته به خاطر خطرات جدی که در اوایل حکومت بعث عراق برای ایشان به وجود آمد، ایشان به ایران مهاجرت کرده و در تهران رحل اقامت افکندند. از هنگامه ورود، حرکت‌های فرهنگی و دفاعی از مکتب اهل بیت علیهم السلام را شروع کردند و شعبه دانشکده اصول الدین را در

ایران تأسیس نمودند که با سه دانشکده در تهران، قم و دزفول دانشجویان خوبی را تربیت کرده‌اند.

کتاب تحقیقی و دفاعی ایشان از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در جهان شناخته شده است و به زبان‌های متعدد ترجمه گشته است. این کتاب‌ها و اثر گذاری آنها در مجامع علمی جهان و در میان مردم مناطق اسلامی مطرح است. اینجانب نامه‌های بسیاری را دیده‌ام که از نقاط مختلف جهان اسلام خدمت ایشان ارسال کرده‌اند و نویسنده نامه اقرار می‌کند که او یا گروهی که کتابهای ایشان را مطالعه کرده‌اند، شیعه شده‌اند. این نحو اثر گذاری صریح و واضح، در کمتر اثری دیده می‌شود.

یکی از مزایای کتاب‌های ایشان، این است که خواننده بدون اینکه درگیر تعصبات کور شود، با تحقیقات ناب به خضوع در می‌آید. به گونه‌ای که خواننده منصف، چاره‌ای جز اقرار و پذیرش نخواهد داشت.

همیشه تحقیقات ایشان، به دور از هرگونه تعصب و برخوردار از دلایل متقن و غیر قابل تردید است. ولو در بعضی مواقع هاضمه‌های ضعیف علمی نتوانستند واقعیت را درک کنند و با تعرض و برخورد هایی نابخردانه و عوامانه، مایه رنجش ایشان را فراهم کرده‌اند که قطعاً این نحوه برخورد، شأنیت علم و عالم را خدشه دار می‌سازد.

مثلاً درباره حدیث کساء، بعضی از علما به ایشان هجوم آورده‌اند که ایشان منکر واقعه کساء شده‌اند. لیکن باید گفت که واقعه کساء در خانه ام سلمه - رضوان الله علیها - از مسلمات اسلام است و حضرت استاد علامه در این مورد از سالیان پیش رساله‌ای تألیف کرده‌اند و روایاتی را از مآخذ درجه اول شیعه و سنی در توضیح و اثبات آن آورده‌اند.

بنابر این آنچه ایشان در مورد حدیث کساء گفته‌اند، به حدیثی که در ملحقات مفاتیح الجنان آمده و از منتخب طریحی نقل شده است مربوط می‌شود. البته بحث در این نیست که با حدیث کسایی که در ملحق مفاتیح الجنان آمده است، نمی‌توان توسل پیدا کرد، بلکه مقصود این است که با آن نمی‌توان به احتجاج با مخالفان رفت. نظر ایشان درباره زیارت عاشورا نیز نیاز به توضیح دارد که می‌آوریم.

طبق نقل ابن قولویه در کامل الزیارات، زیارت عاشورا تصریح در لعن ندارد و با نقل شیخ الطائفه در مصباح المجتهد، در نسخ مختلف آن اختلاف جدی دارد. استاد علامه در کتاب دعای تألیفی خود به نام منتخب الادعیه به نقل ابن قولویه اعتماد کرده و آن را که موافق نسخ قدیمی‌تر مصباح است، می‌آورند. اشکال وارد کردن ایشان در نقل مصباح است. آن هم در نسخه‌هایی که کتابت متأخر از عصر صفوی دارد که متأسفانه شهرت عام یافته است. اگر هم سخنی در مورد زیارت عاشورا گفته شده است، در مورد نسخه مورد اختلاف است نه اصل آن و این مسئله در دست عوام بی‌توجه به مبانی علمی به صورت یک مشکل درآمده است.

این جزوه را هم ایشان در جواب کسانی که مدعی بوده‌اند ولایت علی و ائمه اطهار علیهم‌السلام در قرآن نیست، نوشته‌اند که برای تنویر پیروان مکتب خلافت و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بسیار مفید می‌باشد. بنیاد بین المللی غدیر به مناسبت عید غدیر سال ۱۳۸۳ بیست هزار از این جزوه را چاپ و نشر داد. به لحاظ حساسیت موضوع و اینکه لازم است جامعه اسلامی با مطالب بنیادین خود به زبان ساده آشنا

باشد و جلوی اشخاص مزدوری که سعی دارند جامعه اسلامی را به تشنج بکشانند گرفته شود، به چاپ مجدد آن اقدام نمودیم. باشد که مقبول درگاه مولایمان قرار گیرد.

خداوند عمر این عالم بزرگ را برای خدمت به جامعه شیعی طولانی تر گرداند و همه علمای اسلام را از بلیات آخرالزمان حفظ کند.
انشاء الله.

روابط عمومی بنیاد بعثت

مقدمه

دو مورد از شبهاتی که برخی از پیروان مکتب خلفا (اهل تسنن) مطرح می‌کنند، عبارتند از:

چرا نام حضرت علی در قرآن نیست؟

چرا موضوع امامت در قرآن مطرح نیست؟

در پاسخ به این دو شبهه، ابتدا معنی امامت را بررسی می‌نماییم، سپس به مدد پروردگار پاسخ این دو سؤال را بیان می‌کنیم:

«امام»، در لغت عرب به معنی پیشوا می‌باشد و هیچ جامعه بشری نمی‌تواند بی‌پیشوا بماند. بنابراین، باید درباره این بحث شود که پیشوایان جامعه‌های بشری را چه کسی می‌تواند تعیین کند؟ خداوند باری تعالی یا افراد جامعه‌های بشری؟!

در این باره خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱ و آن هنگامی که پروردگار، ابراهیم را به کلماتی آزمود، حضرت ابراهیم از عهده آن آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را پیشوا و امام مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: به فرزندان و دودمان من از این پیمان (پیشوایی) بهره‌ای می‌رسد؟

خداوند به حضرت ابراهیم فرمود: پیمان من شامل ظالمان و ستمکاران نمی‌شود. ﴿بنابر این آیه شریفه، خداوند برای مردم امام معین فرموده است و آن امام باید معصوم باشد. البته امامی که خداوند برای مردم تعیین می‌کند، گاه رسول صاحب شریعت است؛ مانند حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد - صلوات الله علیهم - و گاه وصی آن پیامبران صاحب شریعت می‌باشند؛ مانند سام، فرزند نوح و یسّع، وصی حضرت موسی. قبل از آنها هم، هبة الله یا شیت، وصی حضرت آدم، که نام بعضی از آنها در قرآن آمده و بعضی ذکر نشده است. پس ذکر نشدن نام وصی در قرآن، دلالت بر وصی نبودن او نیست. آنچه لازم به نظر می‌رسد، این است که هر پیامبری وصی بعد از خود را به پیروان خود معرفی کند. درباره دین اسلام هم به روشنی وصی پیامبر خاتم در قرآن کریم و سنت پیامبر بیان شده است.

شایان ذکر است روایاتی که در این کتاب مورد استناد و استدلال قرار می‌گیرد، روایات صحیح^۱ مکتب خلفا می‌باشد.

۱. روایت صحیح در مکتب خلفا به روایتی گفته می‌شود که سلسله راویان حدیث، متصل بوده و به یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ منتهی گردد. لیکن محدثین مکتب اهل بیت (علیهم السلام) روایت صحیح را به روایتی اطلاق می‌کنند که علاوه بر اطمینان از صحت گفتار سلسله راویان حدیث و متصل بودن آنان، روایت فقط از یکی از چهارده معصوم نقل شده باشد. رجوع شود به أسد الغابة، تهذیب التهذیب الإصابة و میزان الاعتدال.

■ پیش گفتار اول:

قرآن و سنت پیامبر مکمل یکدیگرند

ریشه تمامی اصول عقاید و احکام و دیگر معارف و علوم اسلامی در قرآن است. شرح و تفسیر و شکل و نحوه عمل به آن نیز در قالب گفتار و رفتار پیامبر خاتم مشخص و معین گردیده است که به آن حدیث و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گویند. از این رو است که خداوند فرمانبرداری از پیامبرش را مقرون به اطاعت از خود قرار داده و اطاعت از او را همانند اطاعت از خود دانسته است:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۱؛ «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ»^۲؛ «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ»^۳؛ «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»^۴؛ «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»^۵؛ «وَمَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^۶

«فرمانبردار خدا و رسولش باشید.»

خداوند، سرپیچی از فرمان پیامبر خاتم را در کنار سرپیچی از دستورات خود قرار داده است:

۲. آل عمران: ۳۲.

۱. الانفال: ۱ و ۲۰.

۳. آل عمران: ۱۳۲.

۴. این آیه در سوره های النساء: ۵۹، المائدة: ۹۲، محمد: ۳۳، الشّافین: ۱۲ و النور: ۵۴ تکرار شده است.

۵. النور: ۵۶.

۶. النساء: ۸۰.

«وَمَنْ يَفْصِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ^۱؛ و هر کس از فرمان خدا و پیامبرش سربیزی کند، پاداش او آتش جهنم است.»

«فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ^۲؛ اگر تو را نافرمانی کنند، بگو من از آنچه می‌کنید بیزارم.»

همچنین در برابر مقررات و فرامینی که خدا و پیغمبرش وضع کرده‌اند، اختیار را از مؤمنان سلب کرده است:

«وَمَا كَانَ لِلْمُؤْمِنِينَ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَفْصِ اللَّهُ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا^۳؛ هیچ مرد و زن مؤمنی را -اجازه‌ای- نیست تا هنگامی که خدا و پیغمبرش امری را مقرر داشتند، در کارشان خودسر باشند؛ و هر کس از فرمان خدا و رسولش سربیزی کند، بی‌شک به گمراهی آشکاری افتاده است.»

خداوند، پیامبر خاتم را در گفتار و رفتارش حجت خود بر خلق قرار داده، و او را پیشوای امت تعیین کرده است، تا از او پیروی کنند؛ همچنان که می‌فرماید:

۱) «مَاءَ اتَّكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا^۴؛ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید [و اجرا کنید] و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید.»

۲) «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ^۵؛ و هرگز پیامبر از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

۳) «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...^۶؛ بی‌شک پیامبر خدا نمونه و الگوی نیکویی برای شما است.»

۲. شعراء: ۲۱۶.

۱. جن: ۲۳.

۴. حشر: ۷.

۳. احزاب: ۳۶.

۶. احزاب: ۲۱.

۵. نجم: ۳ و ۴.

■ پیش‌گفتار دوم

پیش‌بینی پیامبر ﷺ

آنچه در پیش‌گفتار اول آمد، کلام خدا درباره «اطاعت محض از پیامبر» و «حُجَّتِ گفتار و رفتار پیامبر در کنار قرآن» بود و در این پیش‌گفتار، از پیش‌بینی پیامبر ﷺ درباره کسانی که خواهند گفت تنها از قرآن برای ما بگویند و اصولاً به حدیث پیامبر اعتنا نمی‌کنند، سخن می‌گوییم.

برخی از این احادیث پیامبر اسلام ﷺ در کتاب‌های صحاح و مآخذ معتبر مکتب خلفا آمده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱. در «سُنَن» ترمذی، «سُنَن» ابن ماجه، «سُنَن» دارمی و «مُسْنَد» احمد چنین آمده است:

«از «مِقْدَام بن معدی کَرَب»^۱ روایت شده است که رسول خدا فرمود:

۱. مقدام بن معدی کرب‌کندی، به همراه دیگر نمایندگان «کنده» به خدمت رسول خدا ﷺ رسیده است. مقدام ۴۷ حدیث از رسول خدا روایت کرده که تمامی آنها را اصحاب صحاح و سُنَن به جز «مسلم» نقل کرده‌اند. مقدام در سرزمین شام در سال ۸۷ هجری و در سن ۹۱ سالگی بدرود حیات گفت.

«أسد الغابه»، ج ۴، ص ۴۱۱؛ «جوامع السیره»، ص ۲۸۰؛ «تقریب التهذیب»، ج ۲، ص ۲۷۲.

«این را بدانید که بر من قرآن نازل شده و به همراه آن همانندش سنت است. آگاه باشید که دور نیست مردی که شکمش سیر شده، راحت بر جایگاه خود تکیه داده، بگوید: تنها قرآن را دریابید؛ و هر چه را که در آن حلال دیدید، حلالش بدانید و آنچه را که حرام یافتید، حرام و ناروایش بشمارید».

در «سُنَن» ترمذی، حدیث مزبور چنین ادامه می‌یابد:
 «در حالی که بی‌گمان هر چه را که رسول خدا حرام کرده، مثل آن است که خدا حرام فرموده است».

و در «سُنَن» ابن ماجه، آخر کلام فوق چنین آمده است:
 «همانند حرام خدا است».

در «مُسْنَد» احمد بن حنبل از مقدم بن معدی کرب روایت شده است:

«رسول خدا در جنگ خیبر چیزهایی را حرام کرد؛ سپس فرمود: دور نیست که بعضی از شما در مقام تکذیب من برآیند، در حالی که راحت بر بالش خود تکیه داده اند، حدیث مرا بر او بخوانند و او بگوید: میان ما و شما کتاب خدا وجود دارد. آنچه را که در آن حلال یافتیم، روایش خواهیم دانست و هر چه را که حرام دیدیم، حرامش خواهیم شمرد».

آگاه باشید که آنچه را پیامبر خدا حرام کرده، مثل این است که خدا حرام فرموده است».

۲. در «سُنَن» ترمذی، «سُنَن» ابن ماجه، «مُسْنَد» احمد، و «سُنَن» ابوداود از قول «عُبَید الله بن ابی رافع»^۱ از پدرش آمده است که رسول

۱. عبیدالله فرزند «ابورافع» آزاد کرده رسول خدا است. عبیدالله، کتابت دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام را به عهده داشت. او از یقاعات محدثان طبقه سوم به حساب می‌آید و احادیث او را تمام نویسندگان کتاب‌های حدیث ثبت کرده‌اند. «تقریب التهذیب»، ج ۱، ص ۵۳۲، شماره ۱۴۴۱.

خدا فرمود: «آگاه باشید! بنیمن یکی از شما را که راحت بر مسند خویش تکیه داده، امری را که من به انجام آن دستور داده یا از آن نهی نموده‌ام، بر او عرضه کنند و او بگوید: نمی‌دانم! من آنچه را که در کتاب خدا ببینم، عمل می‌کنم!!»

جمله آخر حدیث بالا در «مُسْنَد» احمد چنین آمده است:

«من این را در کتاب خدا ندیده‌ام!!»

۳. در «سُنن» ابوداود، کتاب خراج، باب تعشیر اهل ذِمّه، از قول «عرباض بن ساریه»^۱ آمده است که گفت:

«ما با پیامبر وارد خیبر شدیم، در حالی که چند نفر از اصحاب، رسول خدا را همراهی می‌کردند. رئیس خیبریان که مردی بسیار خشن و عصبانی به نظر می‌رسید، قدم پیش گذاشت و گستاخانه به رسول خدا گفت: ای محمد! این درست است که حیوانات ما را بکشید، و میوه‌های ما را بخورید و زنان ما را آزار برسانید؟!»

پیامبر خدا از این موضوع سخت خشمگین شد. پس روی به «عبدالرحمن عوف» کرد و فرمود: بر اسبت سوار شو، و در میان مردم فریاد برآور که بهشت جز به مؤمنان روا نباشد و بگو که مردم برای ادای نماز جمع شوند.

عرباض می‌گوید:

مردم از گوشه و کنار برای ادای نماز و شنیدن سخنان پیامبر خاتم جمع شدند و با رسول خدا نماز گزاردند. سپس پیامبر خدا برخاست و چنین فرمود: آیا بعضی از شما، در حالی که راحت بر بالش خود تکیه داده است، می‌پندارد که خداوند چیزی را حرام نکرده است، مگر آنچه را که در قرآن است؟! آگاه باشید که من شما را پند داده و به انجام اموری امر کرده‌ام، و از کارهایی نهی نموده‌ام که همه آنها به منزله قرآن است، یا

۱. ابونجیح، عرباض بن ساریه سلمی، از رسول خدا ۳۱ حدیث روایت کرده و اصحاب صحاح، به جز «بخاری و مسلم»، همه آنها را نقل کرده‌اند. عرباض در سال ۷۵ هجری چشم از جهان فرو بست. «أسد الغابه»، ج ۳، ص ۳۹۹؛ «جوامع السیره»، ص ۲۸۱؛ «تقریب التهذیب»، ج ۲، ص ۱۷.

بیش‌تر از آن [اهمیت داشته و لازم الاجراست]. خداوند برای شما حلال نکرده است هنگامی که اهل کتاب آنچه را بر عهده داشته‌اند انجام داده باشند، بدون اجازه و موافقتشان به خانه آنها وارد شوید، یا زنانشان را آزار رسانید، و یا از میوه‌هایشان بخورید».

۴. در «مُسْنَد» احمد بن حنبل از قول ابوهریره^۱ آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«نبینم یکی از شما را که چون حدیث و سخن مرا بر او عرضه نمایند، او راحت بر جایگاه خود تکیه داده، بگوید: در این مورد از قرآن برایم بخوانید!!»

۵. در مقدمه «سُنَنِ» دارمی از حَسَن بن ثابت آنصاری^۲ روایت شده است که گفت: «کان جبریلُ یُنزِلُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ بِالسُّنَّةِ، کَمَا یُنزِلُ عَلَیهِ بِالْقُرْآنِ؛ همان طور که جبرئیل، قرآن را بر پیامبر خاتم نازل می‌کرد، سنت را هم بر آن حضرت فرود می‌آورد».

این موارد، نمونه‌هایی از آیات قرآنی و احادیث نبوی است که

۱. ابوهریره قحطانی دُوسی، کنیه‌اش ابوهریره (گربه‌باز) بود و این لقب را از آن روی به دست آورده که گربه‌ای دست‌آموز داشته، و یا این که چون به خدمت رسول خدا رسیده، گربه دست‌آموز خود را در آستین خویش پنهان کرده بود، و آن حضرت به او «ابوهریره» خطاب کرده بود. ابوهریره در جنگ خیبر به خدمت رسول خدا رسید و اسلام آورد. او از رسول خدا ۵۳۷۴ حدیث روایت کرده است و عموم اصحاب حدیث آنها را نقل کرده‌اند. «أَسَدُ الْغَابَةِ»، ج ۵، ص ۳۱۵؛ «جوامع السیره»، ص ۲۷۵؛ «عبدالله بن سبأ»، ج ۱، ص ۱۶.

۲. ابو عبدالرحمن یا ابوالولید، حسان بن ثابت آنصاری خزرجی، شاعر رسول خدا که در مسجد به ذکر مناقب آن حضرت می‌پرداخت و رسول خدا در حقش فرمود: «خداوند حسان را تا زمانی که از پیامبرش دفاع می‌کند، به روح القدس تأیید می‌فرماید». حسان از مردان ترسوی روزگار خود بود که بر اثر آن در هیچ یک از غزوات پیامبر خاتم شرکت نکرد. از رسول خدا تنها یک حدیث روایت کرده است که به جز «ترمذی»، دیگران آن را نقل کرده‌اند. حسان در سال ۴۰ تا ۵۰ و یا ۵۴ هجری و در سن ۱۲۰ سالگی چشم از جهان فرو بست. «أَسَدُ الْغَابَةِ»، ج ۲، ص ۵-۷؛ «جوامع السیره»، ص ۳۰۸؛ «تقریب التهذیب»، ج ۱، ص ۱۶۱.

مسلمین را امر به تبعیت از رسول خدا و سنت پاکش نموده و از مخالفت با آن حضرت نهی می‌نماید، و کسانی را که به دلیل تمسک به قرآن، سنت را زیر پا گذاشته و به آن اعتنایی نمی‌کنند، شدیداً سرزنش کرده و مورد عتاب خود قرار می‌دهد.

گذشته از این‌ها، اساساً نمی‌توان اسلام را تنها از خلال آیات قرآن و بدون مراجعه به سنت پیامبر ﷺ فرا گرفت. دو مثال ذیل، حقیقت را روشن می‌سازد:

— در قرآن، امر و تأکید شده است که نماز بخوانیم، اما اینکه این عمل چگونه و تحت چه شرایطی انجام شود، جز با مراجعه به سنت پیامبر خاتم معلوم نمی‌گردد. با مراجعه به احادیث و سیره رسول خدا، تعداد رکعات و سجده‌ها، اذکار، قوانین و مبطلات نماز را فرا می‌گیریم و کیفیت و چگونگی آن را درمی‌یابیم.

— حج نیز چنین است. با مراجعه به سنت پیامبر خدا، نیت احرام، شناخت و تشخیص میقات‌ها، نحوه طواف، توقف و حرکت در عرفات، مشعر و منی، رمی جمرات، قربانی و حلق و تقصیر و محدوده زمانی انجام هر یک از آن وظایف، مکان و موقعیت هر یک از آن‌ها، واجبات، مستحبات، مکروهات و محرماتشان را فرا می‌گیریم.

همین دو مثال، به خوبی نشان می‌دهد که بدون مراجعه به سنت پیامبر خاتم و تنها با مراجعه به قرآن، انجام این دو وظیفه واجب شرعی امکان‌پذیر نخواهد بود. البته تمام احکام شرع مقدس اسلام همین حالت را دارند.

بنابراین، بر ما لازم است که برای یادگیری همه چیز اسلام از جمله احکام آن و پیروی از دستورات الهی، به قرآن و سنت رسول خدا با هم

مراجعه کنیم و اگر کسی تنها به یکی از این دو رجوع نماید و آنها را از یکدیگر جدا کند، بی گمان بنا بر آن گذاشته است که خود را از قید و بند اسلام رها ساخته و قوانین آن را به میل و خواسته دل خود تفسیر و تعبیر نماید، زیرا با حذف سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله که کلید فهم و مفسر قرآن است، تأویل قرآن بنا به میل و سلیقه شخصی به سادگی امکان پذیر خواهد بود.

■ پیش‌گفتار سوم:

اهتمام رسول خدا ﷺ به موضوع تعیین ولی امر پس از خود
پیش از این که به بررسی نصوصی که از رسول خدا ﷺ درباره تعیین
و معرفی جانشین و فرمانروای بعد از خودش آمده است، بپردازیم،
به جاست مقداری اهتمام آن حضرت را به مسئله جانشینی پس از خود،
شرح دهیم:

مسأله امامت و پیشوایی بعد از رسول خدا ﷺ از مهم‌ترین مسائل
اسلام بود و اهمیت و حساسیت آن از شخص رسول خدا ﷺ و از
اطرافیان و اصحاب آن حضرت پنهان نبود؛ بلکه از همان ابتدای کار و
اوایل بعثت، بسیاری از کسان در فکر و آرزوی آن بودند و برای آن
نقشه می‌کشیدند. از این رز می‌بینیم که بخیره از بنی صغصعه، پذیرش
اسلام خود و قبیله‌اش را مشروط به این کرد که زمامداری بعد از پیامبر
خدا ﷺ از آن او و قبیله‌اش باشد. و نیز هودّه حنفی، در برابر اسلام
آوردن خود، از پیامبر حقی در حکومت بعد از او را درخواست کرد.

رسول خدا ﷺ از همان ابتدای بعثت - البته به تعلیم وحی - همواره
به مسأله زمامداری بعد از خودش توجه داشت؛ به ویژه در نخستین
روزی که از پیروان خود برای تشکیل جامعه اسلامی بیعت می‌گرفت،
توجه حضرتش به این امر مهم و حساس کاملاً آشکار بود.

چاره‌اندیشی رسول خدا ﷺ دربارهٔ جانشینی پس از خود را بخاری و مسلم در «صحیح» خود، نسائی و ابن ماجه در «سنن» خویش، مالک در «الموطأ»، احمد بن حنبل در «مسند» خود، و دیگران در کتاب‌هایشان آورده‌اند. ما در این جا سخن بخاری را از صحیح او نقل می‌کنیم. او می‌نویسد:

عبادة بن صامت گفت: ما با رسول خدا ﷺ بر این اساس بیعت کردیم که در تنگی و فراخی و غم و شادی، مطیع و فرمانبردار حضرتش باشیم و بر سر فرمانروایی با اهلش به ستیزه برنخیزیم.^۱

عبادة بن صامت در روز بیعت عقبه کبری^۲ یکی از نقبای دوازده گانه و معتمدان انصار بود که رسول خدا ﷺ در آن روز از گروه هفتاد و چند نفری که با وی بیعت کردند خواست از میان خودشان دوازده نفر را که مورد اعتماد و اطمینان‌شان باشند، برگزینند و به حضرتش معرفی کنند، تا هر کدام از آنها در مدینه مسئولیت و سرپرستی گروه خود را بر عهده گیرد.

۱. صحیح بخاری، کتاب الاحکام، باب کیف یبایع الامام الناس، ج ۴، ص ۱۶۳، ح ۱؛ لفظ «العسر و اليسر» (تنگی و فراخی) صحیح مسلم، کتاب الامارة، باب وجوب طاعة الامراء فی غیر المعصية و تحریمها فی المعصية، ح ۴۱ و ۴۲؛ + سنن نسائی، کتاب البيعة، باب البيعة علی ان لا تنازع الامر اهلها؛ + سنن ابن ماجه، کتاب الجهاد، باب البيعة، ح ۲۸۶۶؛ + موطأ مالک، کتاب الجهاد، باب الترغيب فی الجهاد، ح ۵؛ + مسند احمد، ج ۵، ص ۳۱۴ و ۳۱۹ و ۳۲۱ و ج ۴، ص ۴۱۱.

شرح حال عبادة بن صامت در سیرت اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۳ و تهذیب ابن عساکر، ج ۷، ص ۲۰۷-۲۱۹ آمده است.

۲. هنگامی که چند تن از اهالی یثرب پیش از هجرت رسول خدا ﷺ نزد آن حضرت آمده و ایمان آوردند، پیامبر به آنان مأموریت داد تا به شهر خود مراجعت نموده و به تبلیغ دین و آموزش احکام بپردازند. سال بعد همان گروه به همراه حدود هفتاد نفر از مؤمنان تازه به اسلام گرویده در مکان عقبه کبری (نزدیک جمرات) به حضور پیامبر شرفیاب گردیده و با آن حضرت بیعت نمودند.

رسول خدا ﷺ به عده‌ای که انتخاب شده بودند، فرمود:

«مسئولیت و سرپرستی گروهتان در تمامی امور با شخص شماست، و شما همان وظیفه را دارید که حواریون برای عیسی بن مریم علیه السلام داشتند».^۱

عباده بن صامت یکی از همین نقبای دوازده‌گانه است که تصریح می‌کند از جمله مواد بیعت مادر روز عقبه با پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله این بود که بر سر فرمانروایی بعد از آن حضرت، با اهلش به ستیزه برنخیزیم: «أَنْ لَا تُنَازِعُوا الْأَمْرَ أَهْلَهُ».

مقصود رسول خدا ﷺ از کلمه «امر» که در حدیث مزبور آمده و به هنگام گرفتن بیعت از هفتاد و دو مرد و زن انصار در بیعت عقبه کبری روی آن تأکید شده است که با اهلش به ستیزه برنخیزند، همان فرمانروایی و حکومتی است که در سقیفه بنی ساعده^۲، برای به دست گرفتن آن به منازعه برخاستند، در صورتی که خداوند از شایستگان و کسانی که اهلیت چنان حکومتی را دارند، چنین یاد کرده است:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۳ فرمانبردار خدا و پیامبر و صاحبان

امر یعنی فرمانروایان باشید. ﴿

اگر چه رسول خدا ﷺ فرمانروا و ولی امر بعد از خودش را در زمان بیعت عقبه کبری معرفی نکرده است و حکمت نیز چنین اقتضای می‌کرد که ولی امر بعد از خود را - که کسی غیر از طایفه انصار بود - در آن موقعیت معرفی نکند. زیرا چه بسا روحیه بسیاری از آنها در آن شرایط که با رسول خدا بیعت می‌کردند، آمادگی پذیرش چنان موضوعی را

۱. تاریخ طبری، چاپ اروپا، ج ۱، ص ۱۱۲۱.

۲. ر.ک: دو مکتب در اسلام، ج ۱، ص ۱۷۴. ۳. نساء: ۵۹.

نداشت. با این حال رسول خدا ﷺ از آنها پیمان گرفت که بعدها وقتی که حضرتش ولی امر آنان را تعیین فرمود، به مخالفت و ستیزه با او برخیزند.